آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۰۲۹
پنجشنبه
۱۴۰۳•۱۱•۴
۲۲ رجب ۱۴۴۶ / ۲۳ ژانویه ۲۰۲۵

یادداشت

تجارت جهانی و توسعه پایدار

پریسا حاجی محمدی
دکتری کسب و کار حرفه‌ای

سیستم تجارت بین‌الملل از ابتدا با ترکیبی مشخص از اجرا و عملیات شکل گرفته است. روابط تجاری را نمی‌توان صرفا بر اساس اصول ساده و غیرقابل نقضی که تعریف شده‌اند تعیین کرد، ملاحظات عملی، سیاست و منافع ناگزیر برای تعیین مواضع اتخاذ شده کشورها بایستی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد به خصوص که در هر مورد ممکن است با مورد مشابه دیگر تفاوت‌هایی شفاف داشته باشد. واقعیت، زمانی است که از یک اقدام یا رویکرد سیاستی یک چالش مستمر پیش روی سیستم معاملاتی، قرار گیرد که در عین حال نیازها، علایق و اولویت‌های مختلف طرفین این تجارت بین‌المللی را برآورده می‌کند، از جمله کشورهای کوچک و ضعیف هیچ جایگزین جدی برای همکاری جز مذاکره ندارند و نتیجه این مذاکرات بر اساس سهم آنها در این مذاکرات ارزیابی خواهد شد. در اینجا این سوال پیش می‌آید که چگونه کشورهای در حال توسعه می‌توانند دستاوردهای بیشتری داشته باشند، پاسخ به این سوال به دو عامل اساسی بستگی دارد اول اینکه سیاست‌هایی هست که خود کشورهای در حال توسعه انتخاب می‌کنند. دوم این است که آیا سیستم معاملاتی به طور مناسب طراحی شده است و به طور موثر برای بازدهی به طرفین کار می‌کند؟ در مورد سهم توسعه‌ای بالقوه در تجارت و سرمایه‌گذاری، پیش شرط‌های اقتصادی و سیاسی، اجتماعی که کشورها را قادر می‌سازد از فضای باز بازار استفاده کنند، به چالش‌های مستمر کاهش فقر و پایداری محیط زیست مربوط می‌شود که موضوع اصلی مورد بحث همه محافل تجارت جهانی است. چشم انداز توسعه کشورهای در حال توسعه، مبتنی بر این استدلال اساسی است که حتی اگر دولت‌ها از بهترین گزینه‌های سیاسی ممکن برای ارتقای توسعه آگاه بودند رشدی که ناگزیر باید با توسعه همراه باشد، از مشارکت فعال همهٔ بنگاه‌های اقتصادی و سهم‌خواهی از تجارت جهانی حاصل می‌شود و در یک سیستم خوب طراحی شده از همکاری‌های بین‌المللی این اصل اساسی لحاظ می‌گردد. همچنین تجزیه و تحلیل رفتار تجارت بین‌الملل کشورهای درحال توسعه یا کمتر توسعه یافته را در سیاست‌ها و مواضع کشور در مورد چشم‌انداز کشورهای آتی به تصویر می‌کشد. در فرآیند توسعه پیچیدگی‌هایی وجود دارد از جمله جنبه‌های مختلف فرآیند توسعه که توسط بسیاری از محققان هم به عنوان غایت و هم به عنوان هدف اصلی شناسایی شده است حضور در عرصه‌های بین‌المللی برای تجارت است. کمیته جهانی توسعه و محیط یا همان کمیسیون برونتلند تعریف جامعی از توسعه پایدار ارائه می‌دهد که بنا بر آن جامعه بشریت توانایی اجرای اصول توسعه پایدار را فقط در صورتی دارد که بتواند تضمین کند بدون به خطر افتادن توانایی‌هایی که منابع جهانی برای استفاده نسل‌های آینده جهت تأمین نیازهایشان، فراهم می‌آورد نیازهای حال را برآورده کند. لذا از این حیث لازم است اشاره کنیم به: مراقبت و نگهداری از محیط زیست برای نسل‌های آینده، کاهش فقر در جهان و توانمندسازی افراد فقیر که همه این رویکردها رشد اقتصادی را امری حیاتی می‌دانند و جزء فرآیند توسعه است، در حالی که تأکید می‌کند که توسعه چیزی بیش از رشد است. رشد درآمد واقعی اصل مهمی برای گسترش، توسعه، و آزادی است، اما هدف نهایی نیست. ابزار و اهداف فرآیند توسعه نباید اشتباه گرفته شود. علاوه بر این، همبستگی بین سطح درآمد و کیفیت زندگی انسان‌ها یکنواخت نیست و بهبود وضعیت زندگی بدون نیاز به رشد قابل توجه در درآمد واقعی امکانپذیر نیست. در نهایت توسعه در مورد گسترش فرصت‌های انتخاب برای زندگی افراد است که دلایل زیادی برای ارزش‌گذاری دارند. ارتباط نزدیک با این تعریف گسترده از توسعه، اهمیت کاهش فقر در کشورها است، در فرآیند توسعه تخمین زده می‌شود (مبنا گزارش بانک جهانی) که از ۸ میلیارد نفر جمعیت جهان، ۳ میلیارد نفر با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می‌کنند. محرومیت همچنین با سطوح پایین آموزش و سلامت، همراه است و هدف اصلی از بین بردن فقر این است که افراد فقیر بتوانند کنترل بیشتری بر سرنوشت خود داشته باشند. این «توانمندسازی» به معنای «گسترش دارایی‌ها و قابلیت‌های افراد فقیر برای مشارکت‌های آتی جامعه است» و توانمندسازی مستلزم آن است که افراد به اطلاعات دسترسی داشته باشند، در تصمیماتی که تأثیرگذار است مشارکت داشته باشند. در جمعبندی توسعه جهانی و تجارت پایدار لازم است این نکته را مهم بدانیم که رشد برای توسعه مهم است، یک سیستم آموزشی خوب، یک رژیم غذایی سالم، آب سالم و خدمات بهداشتی خوب، همگی نیازمند اقتصاد توانمند و با ثبات هستند که بر پایه تجارت جهانی حاصل می‌گردد. منابع رشد اقتصادی می‌تواند منابع لازم برای مقابله با این چالش‌های توسعه را ایجاد کند و ارتباط بین توسعه انسانی و در دسترس بودن منابع اقتصادی بسیار ممزوج است و بایستی این رابطه معنادار هدفمند شکل یابد تا در مسیر توسعه قرار گیریم. وابستگی متقابل توسعه انسانی و توسعه اقتصادی نیز نشان می‌دهد که توسعه انسانی بعید است در مواجهه با رکودهای اقتصادی، پایدار بماند. حال آنکه رشد اقتصادی توسط دو نیروی اصلی هدایت می‌شود: یافتن راه‌های جدید و بهتر برای ایجاد اقتصاد پایدار و بهتر برای استفاده از منابع موجود و تولید منابع مولد جدید از طریق سرمایه‌گذاری. سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های خارجی نقش مهمی در استراتژی توسعه ایفا می‌کند و پیشنیاز توسعه برنامه‌ریزی شده و مبتنی بر سرمایه‌گذاری پرداختن به تجارت جهانی پایدار است.

پیروز مجتهدزاده در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

در معادلات خاورمیانه نباید قدرت‌های خارجی دخالت کنند

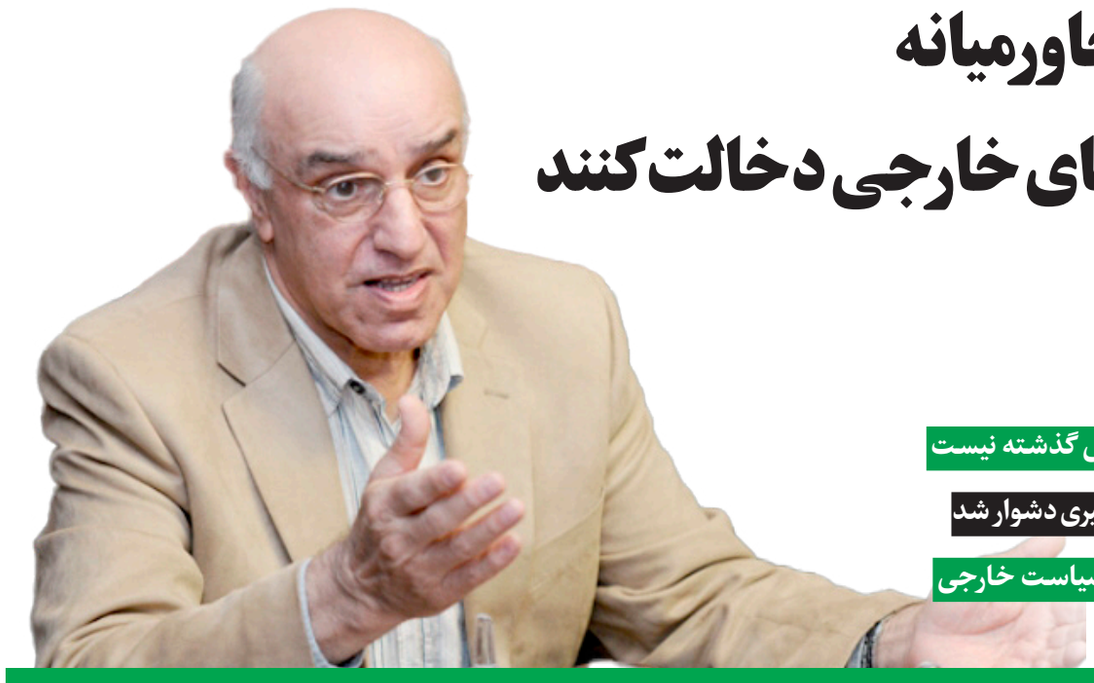

بازگشت به میز مذاکره به راحتی گذشته نیست

برای آغاز مذاکرات باید وارد مسیری دشوار شد

باید نگاه یک‌جانبه‌گرایانه در سیاست خارجی را تغییر داد

آرمان ملی- احسان انصاری: دونالد ترامپ کار خود را به صورت رسمی در کاخ سفید آغاز کرده است. اظهارات وی در مراسم تحلیف فضا را به سمتی هدایت کرده که گویا قرار است دوباره سیاست فشار حداکثری علیه ایران را دنبال کند. اینکه ایران چه رویکردی در مقابل ترامپ در پیش خواهد گرفت، از بسیاری جهات حائز اهمیت است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی چشم‌انداز پیش‌رو با دکتر پیروز مجتهدزاده تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. مجتهدزاده معتقد است: «من معتقدم ما بیش از آنکه به رویکرد ترامپ در مقابل ایران فکر کنیم باید سیاست‌های خود را مورد واکاوی و بررسی مدام قرار دهیم تا اگر اشتباهی در محاسبات یا تحلیل داشته‌ایم، جبران شود. ما برای تحلیل واقعیت‌های موجود باید این تصور را تصحیح کنیم که ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای و آمریکا به عنوان قدرت جهانی، نباید رقابت مشابه و هم‌تراز داشته باشند. اگر چنین تصوری وجود داشته باشد، بی‌تردید اشتباه است. ایران در سطح منطقه درگیر رقابت‌هایی است، که همین رقابت‌ها در سطح جهان موضوعیت ندارد. ایران با آمریکا بر سر نفوذ در شرق دور، خاورمیانه عربی یا غرب رقابتی ندارد. رقابت ایران با آمریکا به مسائل ایران در منطقه و مناسبات کشورهای خاورمیانه مربوط است. اینکه برخی با تمام تمایزها، اختلافات و تفاوت‌ها در منافع ملی، دو کشور را در یک سطح فرض می‌کنند، تصوری استباه است.»

حضور دوباره ترامپ در کاخ سفید به چه میزان بر معادلات ایران در عرصه بین‌المللی تأثیرگذار است؟

بنده از جمله افرادی بودم که از ابتدای ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۶ رفتار و تفکرات وی را مورد انتقاد قرار می‌دادم. ترامپ شخصیت نامتعارف و نامتعادلی دارد. ترامپ در چهار سال اول ریاست جمهوری در ابتدا عنوان کرد قصد دارد با ایران مذاکره کند اما پس از مدتی ایران را تهدید و تحریم کرد. در شرایط کنونی که وی دوباره وارد کاخ سفید شده نیز با همین وضعیت مواجه هستیم که موضع مشخصی از وی مشاهده نمی‌شود. ترامپ در طول چهار سالی که رئیس جمهور آمریکا بود وضعیتی به وجود آورد که تنها عده کمی از متعصبان دست راستی افراطی نژادپرست در آمریکا را خشنود می‌کرد. این در حالی است که بقیه مردم آمریکا و جهان از اقدامات وی ناخشنود و مستأصل شدند. در شرایط فعلی اما من معتقدم ما بیش از آنکه به رویکرد ترامپ در مقابل ایران فکر کنیم باید سیاست‌های خود را مورد واکاوی و بررسی مدام قرار دهیم تا اگر اشتباهی در محاسبات یا تحلیل داشته‌ایم، جبران شود. ما برای تحلیل واقعیت‌های موجود باید این تصور را تصحیح کنیم که ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای و آمریکا به عنوان قدرت جهانی، نباید رقابت مشابه و هم‌تراز داشته باشند. اگر چنین تصوری وجود داشته باشد، بی‌تردید اشتباه است. ایران در سطح منطقه درگیر رقابت‌هایی است، که همین رقابت‌ها در سطح جهان موضوعیت ندارد. ایران با آمریکا بر سر نفوذ در شرق دور، خاورمیانه عربی یا غرب رقابتی ندارد. رقابت ایران با آمریکا به مسائل ایران در منطقه و مناسبات کشورهای خاورمیانه مربوط است. اینکه برخی با تمام تمایزها، اختلافات و تفاوت‌ها در منافع ملی، دو کشور را در یک سطح فرض می‌کنند، تصوری استباه است. بدون تردید اگر چنین پیش فرض‌هایی برای تحلیل وجود داشته باشد، نتیجه‌گیری که صورت می‌گیرد اشتباه خواهد بود. به همین دلیل انتظارات از دو کشور باید مبتنی بر واقعیت‌ها باشد. بنده معتقدم انتظارات باید متناسب با ظرفیت‌های موجود ایران و آمریکا باشد. ما به اندازه‌ای دارای دانش و تجربه تاریخی هستیم که با نگاهی به تاریخ به این نتیجه برسیم که برای ادامه راه باید از چه روشی استفاده کنیم. حکومت‌هایی مانند صدام و قذافی که در مسیر دیکتاتوری حرکت کردند در نهایت نابود شدند، اما کشورهایی که ظرفیت‌های دموکراتیک دارند روزبه‌روز قوی‌تر شده‌اند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد برای دوام داشتن یک حکومت، باید به نظر مردم توجه کرد و یا به بیان دیگر باید مبانی دموکراسی را در نظر گرفت.

منظور شما از اشتباه چیست و چه سیاست‌هایی باید تغییر کند یا چه اشتباهاتی باید پذیرفته شود؟

در این زمینه ما باید همه رویکردهای داخلی و خارجی را مورد بررسی قرار بدهیم تا مشخص شود در چه زمینه‌هایی دچار اشتباه شدیم و چگونه می‌توانیم از مسیر اشتباه باز گردیم. ما باید دارای این ظرفیت و بزرگی باشیم که هنگامی که یک سیاست به نتیجه مورد نظر نرسد، در انجام دوباره آن بازنگری کنیم. توجه به این مهم نشانه رفتار اصولی در سیاست است که پیش از این بارها این ظرفیت‌ها را نشان داده‌ایم. به عنوان مثال در ماجرای پایان جنگ تحمیلی نشان دادیم به رغم اینکه شرایط مورد پسند ما نبود و ای بسا ناراحتی‌هایی هم وجود داشت، اما به دلیل توجه به مصلحت کشور و منافع مردم، چنین کار سترگی انجام شد. متأسفانه روشنفکر منحرف عقب‌افتاده عادت کرده هر اقدام مناسبی را که صورت می‌گیرد، تخطئه کند. نکته مهمی که تجربه تاریخی به ما گوشزد می‌کند این است که هر گاه یکجانبه‌گرایانه به وضعیت خود و رقبا نگاه کرده‌ایم، نتیجه خوبی به دست نیامده است. گاهی گمان کرده‌ایم کاری را که انجام می‌دهیم صحیح بوده و به همین دلیل زندگی مردم در شرایط خوبی قرار گرفته است. در چنین رویکردهایی می‌توان لایه‌هایی از خودستایی و خودپسندی را دید و از واقع‌گرایی فاصله دارد که این نگاه ریشه در تجربه‌های تاریخی ما دارد. واقعیت دیگری که در تجربه تاریخی ما وجود دارد این است که ما غالبا به برنامه‌ریزی صحیح برای مدیریت کشور بی‌توجه بوده‌ایم و به جای آن تلاش کرده‌ایم با باندبازی، حزب‌بازی و در نظر گرفتن جناح سیاسی خود، کشور را مدیریت کنیم در حالی که باید برای مدیریت کشور برنامه‌ریزی علمی انجام می‌دادیم. ایران دارای ظرفیت‌ها و استعدادهای کافی برای پیشرفت و توسعه است. ایران یک کشور غیرقابل صرف‌نظر در منطقه است اما اکنون دیده می‌شود که ارزش پول ملی ما افت شدید کرده است. این مسأله نشان می‌دهد که ما در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی با مدیریت دقیق علمی جلو نرفته و برنامه‌ریزی اصولی نداشته‌ایم.

> **تجربه تاریخی ما نشان می‌دهد که غالبا به برنامه‌ریزی صحیح برای مدیریت کشور بی‌توجه بوده و به جای آن تلاش کرده‌ایم با باندبازی و در نظر گرفتن جناح سیاسی خود، کشور را مدیریت کنیم**

> **اولین اقدام لازم، تنویر افکار عمومی است. در مرحله بعد باید از پیله‌هایی که دور خود تنیده‌ایم خارج شویم. برخی رویکردها با حال و هوای قرن گذشته قابل توجیه است**

مدتی است که جامعه با انباشت مطالبات و دغدغه‌ها مواجه شده است. با این انباشت مطالبات در کنار چالش‌های بین‌المللی، چگونه می‌توان در عرصه بین‌المللی تأثیرگذار بود؟

اگر واقع‌بینانه به موضوع نگاه کنیم، باید عنوان کرد که زمان برای حل مشکلات با سرعت در حال گذر است و اگر تغییری در نوع مواجهه با مشکلات داده نشود، زمان را به کل از دست می‌دهیم. شرایط به شکلی نیست که با یک یا دو اقدام مختصر بتوان تحول بزرگی در شرایط ایجاد کرد. نخستین اقدامی که برای بهبود شرایط باید انجام شود، تنویر افکار عمومی است. در مرحله بعد باید از پیله‌هایی که دور خود تنیده‌ایم خارج شویم. برخی رویکردها با حال و هوای قرن گذشته قابل توجیه است و در قرن جدید تحولات چشمگیر و عمیقی ایجاد شده که باید با آن هماهنگ شویم. مهم‌ترین شرایط مدیریت خوب این است که مدیر خوب داشته باشیم که در این مورد خاص دچار برخی کاستی‌ها هستیم. برخی گمان می‌کنند مسئولیتی که به آنها سپرده شده همچنان باید در اختیار آنها قرار داشته باشد و نباید آن را به کسی واگذار کنند. به همین دلیل نیز شرایط برای تغییر سخت شده است. آینده هر کشوری را خیلی راحت می‌توان در وضعیت دانشگاه‌های آن کشور مشاهده کرد. آیا وضعیت دانشگاه‌های ما به شکلی است که بتوان نسبت به آینده امیدوار بود؟ یا جهل مرکب در دانشگاه هر روز بیشتر می‌شود؟ کشورهایی مانند آلمان و سوئیس نیز به اندازه ایران فارغ‌التحصیل در مقطع دکتری ندارند. این در حالی است که فارغ‌التحصیلان ما به رغم اینکه مدرک دکتری دارند اما از دانش و تخصص کافی برخوردار نیستند. بنده از مدت‌ها قبل خطاب به مدیران کشور عنوان کردم سیاست خارجی ما در مواردی نیازمند بررسی و بازنگری است. ضمن اینکه مواجهه ما با برخی گروه‌ها و کشورهای منطقه نتیجه مورد انتظار را به بار نیاورده است. اکنون زمان آن است که این واقعیت‌ها را در نظر بگیریم و در برخی سیاست‌ها بازنگری کنیم تا مسیر هموارتر و بهتری پیش روی ما قرار بگیرد.

تغییر سیاست خارجی ایدئولوژیک به سیاست خارجی که مبتنی بر واقعیت باشد نیازمند چه ملزوماتی است؟

صلح و امنیت در منطقه و جهان تابع موازنه‌های استراتژیک بین کشورهای مختلف است. قبل از جنگ جهانی دوم این توازن‌ها وجود نداشت و به همین دلیل جهان هر روز شاهد جنگ جدیدی بود. با تشکیل سازمان ملل و توافقنامه‌هایی که منعقد شد، جنگ و درگیری در جهان کاهش پیدا کرد. پس از جنگ جهانی دوم با جنگ سرد مواجه بودیم که یک اتفاق بزرگ برای آینده جهان به شمار می‌رفت. بلوک شرق و غرب برای مقابله با دیگری به سلاح‌های بزرگ مجهز شدند که جهان را در وضعیت خطرناکی قرار داد. به همین دلیل قدرت‌های جهانی به این نتیجه رسیدند برای پایان این جنگ‌افروزی باید موازنه جدیدی در عرصه سیاسی جهان شکل بگیرد. موازنه‌ای که صلح و امنیت جهانی را حفظ کند. در نتیجه برای حفظ و ارتقای صلح در هر منطقه‌ای نیاز به موازنه‌های استراتژیک وجود دارد. با این وجود هنگامی که به وضعیت خاورمیانه توجه می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که در این منطقه شرایط به شکلی دیگری رقم خورده است. نکته دیگر اینکه معادلات خاورمیانه حساب و کتاب روشنی ندارد و نمی‌توان آینده این منطقه را به آسانی پیش‌بینی کرد. در این منطقه گاهی نتیجه دو ضرب در دو چهار نمی‌شود، بلکه عدد نامشخصی می‌شود. مهم‌ترین دلیل این اتفاق این است که در بین کشورهای منطقه، درک صحیحی از زندگی و دموکراسی وجود ندارد. منطقه خاورمیانه باید این درک را در خود به وجود بیاورد که تنها در سایه دموکراسی است که می‌تواند زندگی خوبی داشته باشد.

حضور ترامپ در کاخ سفید به موازنه در خاورمیانه کمک می‌کند و یا آن را از بین می‌برد؟

در شکل‌گیری موازنه در منطقه ما، قدرت‌های جهانی نباید دخالت داشته باشند. اگر ایران دنبال منافع خود در این منطقه است، باید به سطحی از تأثیرگذاری برسد که بازیگران خارجی نتوانند در معادلات این منطقه نقش‌آفرینی کنند. عربستان در رقابت با ایران تلاش می‌کند از آمریکا کمک بگیرد در حالی که این وضعیت، موازنه را در منطقه به هم می‌زند. ایران باید در مسیر ایجاد موازنه استراتژیک در خود منطقه خاورمیانه حرکت کند اما تاکنون در این مسیر قرار نگرفته که احتمالا هنوز شرایط سیاسی برای چنین موازنه‌ای ایجاد نشده است. در هر حال باید در نظر داشت که معادلات منطقه‌ای برای کشورها سخت‌تر از گذشته شده است. هنگامی که قراردادهای بین‌المللی دچار خدشه می‌شود ترمیم آن آسان نخواهد بود و ما این را در برجام تجربه کردیم. بنده معتقدم بازگشت مجدد آمریکا به میز مذاکره با ایران به آسانی انعقاد برجام نیست و باید از مسیرهای دیگری حرکت کرد که دشواری خاص خود را دارد.

> **حکومت‌هایی مانند صدام و قذافی که در مسیر دیکتاتوری حرکت کردند در نهایت نابود شدند، اما کشورهایی که ظرفیت‌های دموکراتیک دارند روزبه‌روز قوی‌تر شده‌اند**

تلنگر

رهبر انقلاب:

دستگاه‌های دولتی و نظارتی نباید سرعت‌گیر بخش خصوصی باشند

ادامه از صفحه ۲/ مقام معظم رهبری پیگیری آقای عارف معاون اول رئیس جمهور از وزیران را برای رفع چنین موانعی، الزامی برشمردند و گفتند ممکن است رفع موانع نیاز به اصلاح قوانین و مقررات داشته باشد که باید انجام شود. ایشان کمک به بخش خصوصی را به معنای سهل‌انگاری در قبال برخی سوءاستفاده‌کنندگان ندانستند و افزودند: باید در عین افزایش مراقبت‌ها، کمک‌ها را هم برای کسانی که خواهان پیشرفت کشور هستند افزایش داد.

با استمرار رشد ۸ درصدی وضع کشور تغییر محسوس خواهد کرد

حضرت آیت‌ا...خامنه‌ای، عمل به سیاست‌های اصل ۴۴ را اقدامی مهم در رفع موانع رشد اقتصادی کشور خواندند و گفتند: این سیاست‌ها مورد تایید همه مسئولان و صاحب‌نظران قرار گرفت اما مسئولان ذیربط باوجود توصیه‌های مکرر، به آن‌ها عمل نکردند و این مسئله از علل تنزل اقتصادی کشور در دهه ۹۰ بود. ایشان با ابراز خرسندی از تشکیل کارگروه‌های تخصصی در بخش خصوصی برای دستیابی به رشد ۸ درصد افزودند: این صاحبنظران با بررسی توانایی‌ها و آماده کردن طرح‌های سرمایه‌گذاری، راه حل مشکلات را مشخص کرده‌اند که مسئولان دولتی باید جداً نتایج کار این کارگروه‌ها را دنبال و اجرا کنند. مقام معظم رهبری با انتقاد از کسانی که تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد را امکان‌ناپذیر می‌دانند و آن را به سرمایه‌گذاری‌های ناممکن و هنگفت خارجی منوط می‌کنند افزودند: صاحبنظرانی که در کارگروه‌های تخصصی، رشد ۸ درصد را پیگیر هستند، آن را به «این‌گونه سرمایه‌گذاری‌های خارجی» منوط نکرده‌اند و با تمرکز بر توانایی‌های داخلی به دنبال تحقق آن هستند و دولت باید حتماً به آنها توجه و کمک کند. ایشان با اشاره به ضرورت استمرار رشد بالای اقتصادی گفتند رشد ۸ درصدی البته معجزه نمی‌کند اما اگر استمرار پیدا کند و عواید و نتایج آن عادلانه تقسیم شود، وضع کشور تغییر محسوس خواهد کرد. مقام معظم رهبری حضور در مجامعی مانند بریکس را هم مهم دانستند و با اشاره به ضرورت فعالیت مسئولان دیپلماسی کشور برای بهره‌مندی حداکثری از این فرصت بزرگ گفتند: سامانه مالی بریکس که تبادل مالی با ارزهای کشورهای عضو را ممکن می‌کند، ظرفیت مهمی است. ایشان حذف هر چه ممکن دلار از مبادلات تجاری را ضروری برشمردند و گفتند: این کار که رئیس‌جمهور محترم هم به دنبال آن هستند، کاری بزرگ و مهم و در کارزار اقتصادی، حرکتی بسیار قاطع و تعیین‌کننده است و بانک مرکزی باید میدان را برای تخصیص ارزهای دیگر باز کند، البته انجام آن عکس‌العمل‌هایی خواهد داشت اما دست کشور را قوی‌تر می‌کند. حضرت ایت‌ا... خامنه‌ای با اشاره به گلایه دیروز یکی از تولیدکنندگان در نمایشگاه مبنی بر طولانی‌تر شدن زمان صدور یک مجوز با وجود تذکر این موضوع در سخنرانی سال گذشته رهبری، خاطرنشان کردند: من از این مسئله واقعاً شرمنده شدم. این مسائل را باید حل کرد و حل آنها در گرو باور و پای‌بندی عملی به ضرورت کمک به بخش خصوصی است به‌گونه‌ای که بخش خصوصی احساس کند که پشتش به کمک‌های دولتی گرم است و امور بدون مانع‌تراشی، سهل و روان انجام می‌شود. مقام معظم رهبری در بخش دیگری از سخنانشان، آتش‌بس و پیروزی غزه را نشانه‌ای آشکار از تحقق پیش‌بینی زنده بودن و زنده ماندن مقاومت خواندند و گفتند: آنچه در مقابل چشم دنیا در حال رخ دادن است شبیه افسانه است که دستگاه جنگی عظیمی همچون آمریکا، بی‌اعتنا به مفاهیم انسانی، بمب‌های سنگرشکن به رژیم ظالم و خونخوار صهیونی بدهد و آن رژیم سفّاک و بی‌رحم ۱۵ هزار کودک را در خانه و بیمارستان بمباران کند اما نتوانند اهداف خود را محقق کنند. ایشان با تأکید بر اینکه اگر امکانات آمریکا نبود رژیم صهیونیستی در همان هفته‌های اول به زانو در می‌آمد، افزودند: رژیم صهیونیستی در این یک سال و چند ماه هر چه توانست جنایت و خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مساجد و کلیساها را در مساحت کوچکی مثل غزه بمباران کرد اما در نهایت نه تنها نتوانست به هدفی که رئیس بدبخت و روسیاه آن معین کرده بود یعنی نابودی حماس و اداره غزه بدون مقاومت، دست پیدا کند بلکه ناچار شد با همان حماس سر میز مذاکره بنشیند و شرایط آن را برای آتش‌بس قبول کند. حضرت آیت‌ا...خامنه‌ای سرزندگی و پیروزی مقاومت در ماجرای غزه را مصداق تحقق سنت الهي پیروزی در صورت مقاومت خواندند و گفتند: هر جا از طرف بندگان خوب خدا ایستادگی باشد، پیروزی حتمی است. ایشان با اشاره به سخنانی ناشی از توهم و خیالبافی مبنی بر ضعیف شدن ایران، تأکید کردند: آینده نشان خواهد داد که چه کسی ضعیف شده است همچنان که صدام نیز به خیال ضعیف شدن ایران، تهاجم را آغاز کرد و ریگان هم با همین خیال به او کمک‌های آنچنانی کرد اما سرانجام آن دو و ده‌ها متوهم دیگر، همه به درک واصل شدند و جمهوری اسلامی روز به روز رشد پیدا کرد که این تجربه به فضل الهی قابل تکرار است.